

حاضرتر و دلسوزتر مخلص نخواهید داشت! با امید خدمات آینده، حالا از بندگان عالی استدعای یک مرحمت خیلی بزرگ دارم، نترسید استدعای من تلافی صدمات گذشته نیست، زیرا که صدمات و خرابیها بقدری زیاد شد که دیگر خارج از قدرت دولت علیه است که بتوانند عشر آن را تلافی نمایند. حالا منتهای توقع من این است که اگر ممکن باشد اقلاً باین خرابیها یک حدی بگذارید و این مرحمت بسته به همت عالی است که مخصوصاً امروز بروید بحضور بندگان اقدس همایونی روحانفاده و پس از عرض منتهای عبودیت و تشکر بنده از آستان مرحمت و بنده پروری شاهنشاهی التماس نمائید که مثل بنده دولتخواه قدیم و فدوی مخصوص را بیش از این در تکلیف حق شناسی و ارادت فطری خود سرگردان و مضطر و معذب نگذارند و از روی یک رأفت و عظمت همایونی سرنوشت بندگی مؤا بانگشت مرحمت مقرر فرمایند، امر اقدس هرچه باشد در این مقام تاریک آفتاب یک حیات تازه و منشاء هزار قسم تشکر و عبودیت بی انتها خواهد بود.»

دن ۲۷ ذی قعدة ۱۲۹۰

نامم در بندر بیخ میگویم چون گویم
 شکرش میگویم با حق
 برکتش و کینش در حق من در بندر
 بنامش کین با ترکش بفرم و بنامش شکر
 در حق خود در حق من در بندر
 در حق من در حق خود در بندر
 در حق من در حق خود در بندر
 در حق من در حق خود در بندر
 در حق من در حق خود در بندر
 در حق من در حق خود در بندر
 در حق من در حق خود در بندر

عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان
 عین العرفان

نهج این بر سر نهج این است
 بهیچ کفره مان نفس مرغ شده
 دانش رشت به بدستش
 این را کشف می نماندست
 اندر کس ازت عفت با زلفت
 هر آنکس که بر جلی در برضه

سند شماره ۶۱. نامه میرزا ملکم خان پس از عزل از مقامات (قسمت دوم)

کز جویند
 جویند
 جویند
 جویند
 جویند
 جویند
 جویند
 جویند
 جویند
 جویند

سند شماره ۶۱. نامه میرزا ملکم خان پس از عزل از مقامات (قسمت سوم)

انشاء الله صدق و معنی این عریضه عییدانه بنده این دفعه به یمن همت عالی بدرستی معروض
 و از روی توجه کریمانه توضیح خواهد شد، و اگر خدای نخواست این عریضه هم جوابی نداشته
 باشد اقلاً قدغن بفرمائید که وصول آن را اشاره نمایند و اگر مستحق این مرحمت آخری هم نباشم
 سکوت بندگان عالی را لابد جواب صریح خواهم شمرده در آن صورت هم باز بدون هیچ مزاحمت
 تازه مخلص دائمی جناب اشرف امجد خواهم بود. ملکم. سند شماره ۶۱

پیشنویس نامه‌ای است که در رجب ۱۳۰۹ - امین‌السلطان به حجة الاسلام «حاج میرزا حسن شیرازی» مرجع تقلید شیعیان درباره سوابق و اعمال «ملکم» نوشته و از کارهای «جمال‌الدین افغانی» هم اشارات جالبی دارد.

«حجة الاسلاما، ملاذالاناما، قبله و امیدگاهها، از آنجا که اعظم مواهب و عطایای خداوند خالق و هاب را نسبت بخود در دنیا و آخرت و در هر باب حصول نعمت افتتاح ابواب مکاتبه خدمت جناب مستطابعالی دام افضاله المتعالی علی الادین الی الاعالی می‌دانم و شکر هر نعمت هم فریضه ذمه تدین هر مسلم در عالم اسلام و انسانیت است و بشکرانه این نعمت و موهبت لازم می‌شمارم خاطر شریف مطهر جناب مستطاب عالی را از خفایا و زوایای امور و حقایق صحیحه عالییه و ظهور شرور مفسدین دین اسلام من دون القصور قرین استحضار دارم تا برحسب تکلیف عظیم و جلیلی که در ایام غیبت حضرت حجة عجل‌الله فرجه در مذهب اسلام دارید اقدام فرمائید، لهذا با نهایت احترام بتصدیع خاطر عالی آنجناب مستطاب که مخزن علوم ربانی و ملهمات سبحانی است می‌پردازم که اگر چه حالت کفر و زندقده «ملکم» نام که حالا در لندن می‌باشد بر تمام ارباب فطن و اضح و روشن و لافح و مبرهن است که علاوه بر ارتداد فطری و ملی و کفر بعد از اسلام در مدت عمر از هیچگونه افسادهای خفی و جلی در انقصاب و انصرام جبل‌المتین ملت اسلام خودداری نکرده است، مومی الیه پسر «میرزا یعقوب ارمنی» اهل جلفای اصفهان بوده داخل متعلمین بفرنگستان رفته در حالتی که ظاهراً اسلام قبول کرده بود، بعد از مراجعت حالت غوایت از او ظاهر بوده و در هر موقع خیانت فطری از او شایع می‌شده که عرض تمام آن موجب زحمت است، از جمله درسی و دو سه سال قبل که از فرنگستان به ایران مراجعت کرد، برای اجرای نیات خبیثه خود به انواع حيله و تدلیس و تلبیس مخفیانه در طهران اسباب فراموشخانه ایجاد و تأسیس نمود و عقول بعضی عوام کالانعام را با آن دام ربود، متدرجاً ثلمه در حصن حصین دین و آئین مسلمین انداخت و به اغوای اطفال و عوام و جهال پرداخت و همه را از اسلام ترهیب و بکفر و زندقه و ظلام ترغیب و محرمانت شرع را مباح حتی تزویج را بدون صیغه عقد و نکاح ترویج ساخت تا آنکه از برکت باطن شریعت مطهره مظهر آیه مقدسه «یکفر بعضهم ببعض ویلعن بعضهم بعضاً و ماویکم النار و مالکم من ناصرین» شد، این زندقه و ابتلا واضح و برملا گردید، ذات مقدس مبارک اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه اسلامیان پناه خلدالله ملکه و سلطانه که زاعی این رعیت و حامی و حافظ حوزه اسلام می‌باشند و در حراست اسلام و فراهمی اسباب سعادت انام بی اختیارند فوراً او را با پدرش از طهران مطرود و از درگاه ملت پناه خود مردود فرمودند و صفحه ایران را حتی المقدور از لوٹ زندقه زدودند

تا به بغداد و از آنجا به اسلامبول رفته بسفارتخانه دولت ایران در اسلامبول ملتجی و در آنجا معتکف و بذنوب خود معترف و از آن عقائد تائب و به جاده مستقیم ظاهراً آتب شد ولی قلب مبارک همایونی که مرآت افاضات سبحانی است اطمینان حاصل نفرمودند تا آنکه مرحوم حاج میرزا حسینخان مشیرالدوله وزیر مختار ایران مقیم اسلامبول در اوقاتی که ذات کامل الصفات همایونی بزیارت عتبات عالیات عرش درجات مشرف بودند به رکاب ظفر نصاب مبارک مشرف شده مراتب توبه و انابه ملکم را با تأیید حلف و قسم بعرض رسانیده بعد از ارتقای خودش بمقرات صدارت اعظم، ملکم را از اسلامبول دعوت و اعادت نموده ملکم نیز توبه و ایمان خود را به اتیان حلف و ایمان مؤکد نموده متعهد حفظ حقوق مقدسه ملت و دولت اسلام و وقایه احترام شریعت خیرالانام علیه و آله الصلوة والسلام در همه جا گردید و بسمت سفارت دولت ایران مامور لندن شد و سالی بیست هزار تومان از طرف قرین الشرف ملوکانه برای مصرف این منظور اسلامیت ظهور به او مرحمت و انواع مکرمت در حق او رعایت میشد، لکن بمفاد آیه وافی هدایه «قدکانت آیاتی تتلی علیکم فکتتم علی اعتبارکم تنکصون مستبکرین به سامراء تهجرون» آنهمه آیات عنایات سلطانی و مواهب سبحانی را کان لم یکن نموده به فطرت اولیه عودت نمود اما در نظر انور همایونی ثابت نبود تا آنکه برای رؤیت شیمه و رویت خارجه نسبت به اسلام و فحص و تفتیش شهودی و عینی از تکالیف محافظت شریعت سیدالانام بصفحات فرنگستان مسافرت فرمودند و دیده بصیرت و بینیای خود را بتمام مهام گشودند، ملکم که از این درجه تعمق نظر و امعان فکر و غور خاطر الهام اثر همایونی غفلت داشت فرصت را غنیمت شمرده همت بر تضييع شأن رفیع این ملت گماشته از جمعی تجار با ثروت آنجا قریب چهل هزار لیره در خفا گرفته قرارنامه «لاطری» که در ظاهر عبارت با اعتبار و در معنی و حقیقت ترویج و انتشار قمار که حرام صرف و منافی حکم الله الملک القهار بود، با آنها منعقد نموده بعرض رسانید و به اعتبار وزیر مختاری خود امضا کرد، مفاد قدسی آیه شریفه «انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان» بنظر شریعت اثر همایون ملوکانه آمده فوراً امر محکم و حکم مؤکد بر الغا و ابطال آن فرمودند. این بنده نیز فوراً ابطال آن را به ملکم و بسایر مردم از خاص و عام اعلام نمودم، تجار و اصحاب ثروت که به ملکم پول داده بودند و نکول او را از ردو ادای وجوه مشاهده نمودند بمقام مطالبه آمدند، ملکم نیز در این دو سه سال آنچه می توانست در مدح و قدح و مذمت اسلام و فسادهای و خیمه در روزنامه های فرنگستان طبع و نشر نمود و منجمله روزنامه موسوم به «قانون» بود.

که البته نسخه آن بعرض جناب مستطاب عالی رسیده و وخامت عبارات روزنامه مزبور و سوء

نیات ملکم بر قلب الهام‌پذیر جنابعالی هویدا شده است، چون این تدلیسات را مؤثر نیافت تدریس جدید ورزیده خواست آن قرارنامه را که لغو و باطل شده بود بر عایا و تجار دولتهای دیگر که از ابطال و الغای آن، بی‌خیر بودند بفروشد و بدست آن دولتها بخرابی ملت و ترویج این قمار و معصیت بکوشد، این بنده بمامورین و سفرای ایران که در پایتخت دولت آلمان و سایر دول هستند دستورالعمل دادم که بطلان قرارنامه لاطری را بتمام دول اعلام و در روزنامجات آن بلاد و صفحات طبع و نشر نمودند که بالکلیه محل نفرت عموم ملل گردیده است، اکنون که ملکم از این تدریس هم یأس حاصل کرده بمفاد آیه کریمه «وإذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه ابائنا ولو کان الشیطان یدعوهم الی عذاب السعیر اقتفاء بآباء ارامنه خود نموده بعناد خود افزوده محض مشوب نمودن خاطر شریف مطهر جناب مستطاب عالی دام افضاله عریضه‌ئی از قول رعایای ایران ساکن خاک عثمانی خطاب بجناب مستطاب عالی جعل و بقلم خود مسوده و در لندن چاپ کرده باین بنده بخط خودش کاغذی نوشته و از دستورالعملی که در الغاء و ابطال اقرارنامه مزبور بسفیر ایران مقیم برلن و سایر سفرای ایران داده بودم بنده را سرزنش و تهدید نموده است، که اگر با خیال او همراهی نکنم این نسخه عریضه جعلی را بهمه جا انتشار خواهد داد و از شدت خیانت در کاغذ خود یکماه مهلت داده که اگر همراهی با او نکنم بعد از سی روز بهمه جا بفرستد، محض اثبات و ایضاح این مسئله عین کاغذ خط ملکم را با نسخه چاپ شده عریضه مجعوله لفاً تقدیم که ملاحظه و استحضار حاصل فرمایند و اگر چنین عریضه‌ئی ار منتشر نماید مجعول بودن این عریضه بر خاطر عالی جناب مستطاب عالی واضح و مسبوق باشد، شهدالله و کفی به شهیداً که بر ذمه هدایت آن جناب مستطاب در این زمان غیبت حضرت حجت عجل الله فرجه واجب است که حالات مردود این کافر فطری و مرتد ملی به مردم بی‌خبر مسکین بلکه بعلمای اعلام دین مبین واضح و اعلام فرمائید و کذلک از جمله اسبابی که چندی است این خبیث بدست آورده و او را نیز مثل خودش به لعن ابدی سپرده است، شخص شیخ جمال‌الدین نامی است که مدتهای مدید خود را در مملکت روسیه و افغان از اهل سنت و جماعت قلم داده و روزنامه‌های خیلی خطرناک در قذح تشیع چاپ و منتشر می‌کرد، بعد از آنکه دولت ایران حالت او را بر دولت روس معلوم نمود فراراً میان افغانها رفته باعث قتل قریب هزار نفر رجال و نساء و اطفال شیعه‌های «هرات» و جاهای دیگر شد، در افغانستان هم ترویج آثار ملت و مذهب ذات لهب بابیه از او ظهور یافت و مطرود شد و پارسال بطهران آمده منزلی مرتب و محفلی از بابی و دهری مرکب مهیا و برپا کرد و متدرجاً جمعی از عوام اضل من الانعام را جلب و بعقاید باطله خود هدایت و جذب نموده از اختفای این خباثت تجاوز و به

تجاهر و علانیه جسارت کرد، لهذا محض حفظ دایره مطهره تشیع و وقایه زمام انتظام از جانب سنی الجوانب همایونی حکم به نفی او از این بلدان و طهارت طهران از دنائت آن وجود مردود شد، از طهران به بصره و بغداد و اسلامبول حرکت، چون در همه جا خیانت و شرارت را مکشوف و معروف بود، مجال اقامت نیافته عنان خیانت را بلندن پایتخت انگلیس تافته در آنجا ملکم او را و او ملکم را یافته و با یکدیگر پس از ملاقات عقد مواخات نموده لوائح عربی العبارة در قبایح دولت سلام نوشته و چاپ و نشر نموده که البته همه بعرض جناب مستطاب عالی رسیده و محض اطلاع خاطر عاطر یک نسخه تازه آن را که تازه طبع و نشر نموده است و از ملاحظه آن هر مسلم را که راضی اسلام بمشام او رسد و عرق حمیت اسلامیت در بدن او روئیده باشد مرتعش و از غیرت منقلب می سازد لفاً تقدیم نمودم قرائت و اطلاع حاصل خواهند فرمود، مقصود از تطویل ذیل این ذریعه و تصدیق خاطر شریعت مظهر آنجناب مستطاب سه چیز است، یکی معرفت کامل در حق این دو نفر، دیگر آنکه خاطر مظهر جناب مستطاب عالی از این نوشتجات خیانت بینات مسبوق گردد که اگر بعرض عالی برسد فوراً بنظر اقدس اثر بیاورید که از این قبیل است و مقصد عمده دیگر آنکه محضاً لرضاء الله و حفظاً لاحکم الله و شریعت رسوله، بهرکس لازم و مقتضی شمارید بفهمانید و اعلان و اعلام فرمایند که مردم بیچاره بدام زندقه این زنداقه و امثال آنها گرفتار نشوند. مهر امین السلطان^(۱) (سند شماره ۶۲)

امین السلطان به سفیر انگلیس ضمن نامه ای اعلام کرد که میرزا ملکم خان معزول است و سمتی ندارد دستوراتی صادر نمایند که او در مجالس رسمی از طرف دولت ایران حضور نیابد.

ملکم این نامه را در ذیقعه ۱۳۰۸ (یک سال و نیم پس از معزولی

و سلب عناوین بواسطه قرارداد لاتاری) به اتابک نوشته است

«لندن ۹ جون ۱۸۹۰ - ۸۰ هلند پارک - فدایت شوم اگر چه سوار ایران شده اید و حق دارید که مرا داخل آدم نشمارید اما هیچ عیب ندارد ما چند دقیقه مثل آدم چند کلمه صحبت خودمانی بداریم. در تلغراف پنجم جون می فرمایند همه آن التفاتها یک دفعه امکان ندارد. یعنی چه، شما جمیع صدمات دولتی و مادی و معنوی را در آن واحد برسر من جمع می کنید و در مقام تلافی می فرمائید، همه اصلاحات یکدفعه ممکن نیست.

۱۲۰۱
 در کتبات نقد در روز بیست و نهم

برای سر منبر انجمن در روز بیست و نهم

امیرباشنده به کتبات منبر در روز بیست و نهم

کتاب منبر بیست و نهم در روز بیست و نهم

در تاریخ منبر

(۱) ترجمه تلگراف «سالزبوری»
 با خطه نواب، روی کاغذ رسمی سفارت
 انگلیس چنین است. ترجمه - از
 جناب لارده سالزبوری بشاژ دافر
 ۱۱ مارچ ۱۸۹۱ بر حسب خواهش
 اعلیحضرت اقدس شاه که بتوسط جناب
 اشرف امین السلطان ابلاغ بشما شده
 بود. احکامات صدور یافت که
 «مالکم خان» از تمام مجالس درباری
 خارج باشد و نوشتجات او بتوسط
 اداره «فارین آفیس» فرستاده نخواهد
 شد (تاریخ فوق همزمان با ماه
 شعبان ۱۳۰۸ قمری است).

سند شماره ۶۳ - موافقت سفارت انگلستان با پیشنهاد امین السلطان

التفاتهای زیاد بکدفعه لازمه بزرگی سلطنت است چیزی که خیلی خلاف قاعده است این است
 که یک دولت حسابی جمیع بی التفاتیها را یکدفعه علی الغفله بر سر یک نوکر وارد بیاورد، شما
 قدرت را جایز و حسن اصلاح را غیر ممکن می شمارید، وانگهی بنده هیچ التفات نخواستہ و
 نمی خواهم، انتظار من فقط تلافی آن ظلمها و صدماتی است که بدون یک دقیقه تأمل و تحقیق بر
 من روا داشتند، چندین سفارت را از من گرفتید، جمیع حقوق اعتباری و مادی مرا پایمال کردید،
 آخر عمر مرا بهزار خفت نالایق سیاه ساختید و حالا می فرمائید چون ما در مقام تعمیر خرابیها
 هستیم بروید به ایتالیا و هیچ خیال نمی فرمائید که اگر بخوایم این زندگی که بعد از چهل سال جان
 کندن در اینجا فراهم آورده ام در میان این پریشانیها که مزد خدمات من قرار دادید برچینم و بروم به
 ایتالیا این التفات جنابعالی اقلا صد هزار تومان ضرر تازه بر من وارد خواهد آمد. فرضاً این ضرر را
 هم بر خود هموار نمودم بچه اطمینان و بچه ذوق پی خدمت تازه بروم.

خیلی غریب است جنابعالی در ابتدای جوانی هفتاد منصب بزرگ دولت را بجیب خود
 گذاشته اید و حالا بجهت تلافی آن همه صدمات ناحق می فرمائید، برو بزیارت پاپ، زیرا که ظهور
 مراحم یک دفعه ممکن نیست.

خلاصه رفیق جان، ببخشید، جناب اشرف وزیر اعظم، مطلب این است که باید همه این
 پیسیها را که یک دفعه بر سر من آوردید یک دفعه تلافی بفرمائید، مناصب و مقامهای دولتی مرا

باید بهتر از سابق رونق بدهید و باید جمیع آن امتیازات که بمن وعده شده از قبیل تنباکو و غیره و تلافی آن ضررها که بر سر راه یعنی بر سر امتیاز راه آذربایجان بر من وارد آوردند، همه را بدون چون و چرا بمن بدهید آن قراری که سفیر ایران رسماً در اسلامبول بمن داده بدرستی بعمل بیاورید می‌دانم که آن امتیازات را بدیگران داده‌اند اما من قبول ندارم و اگر مقصر بودم دخلی بوعده‌های دولت ندارد، مقصر را می‌کشند اما وعده‌های دولت را بعمل می‌آورند و البته از این ادعای خود ابدأ دست نخواهم کشید و شما را بهزار قسم اذیت تعاقب خواهم کرد، شما ملکم خسته و بی عرضه را دیده‌اید اما هنوز ملکم دیوانه را نمی‌شناسید، بجان عزیز شما که شما را ول نخواهم کرد همان طور که شما آخر عمر مرا سیاه کردید اول ترقیات شما را زیر و زبر خواهم کرد. بی جهت فریب دیگران را نخورید فرارش و میرغضب شما بیشتر است اما از تأثیر نفس این پیر شکسته دل نباید غافل شد، یقین بدانید اگر تا سه روز دیگر جمیع خسارت‌های مادی و معنوی مرا بطوری که شایسته معقولیت و بزرگی است تماماً و کاملاً بعمل نیاورید من هم در عالم مایوسی حضرت جرجیس و پاپ و عمر را جمع می‌کنم و بتائید ایشان اینقدر سعی و تدبیر و افساد و جسارت و دیوانگی می‌کنم که سرکار ایران مدار چرچیل صاحب جمیع مناصب شما را هم در آن واحد بگیرد و شما را بفرستند به بیت‌المقدس که در پناه دوستان موسوی زیر و بالای اوضاع حالیه ایران را به لذت امروزه بنده درست سیر و تماشا بفرمائید. فدای بندگان جنابعالی - ملکم،^(۱) (سند شماره ۶۴)

نامه ظل‌السلطان به میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله

«جناب جلالتمآب ناظم‌الدوله دام اجلاله»

مراسله مودت‌آمیز مسرت‌انگیز جنابعالی حصول اطمینان خاطر ماست از ملاحظه‌اش هزار درجه ملال قلب به نشاط می‌شود خاصه در این اوقات که برحسب مصالحی چند اعلیحضرت اقدس ولینعمت معظم امربه اردو زدن در پروچرد فرموده‌اند، واضح است که در چنین نقطه از نقاط مملکت که جز مقاله جمعی الوار بی تربیت گفتگویی نیست حصول و وصول این مراسله که از فیلسوف دانائی سراپا مشحون به حکمت و اطلاعات مدنیت است چه نوع اثر و ثمر دارد خاصه که از زمان سال مجاعه در تهران جنابعالی را ملاقات نموده و اصغای سخن‌های حکیمانه نموده بودم کتباً و خطباً بهیچ وجه گفتگویی و استماعی نشده بود ای بی نصیب گوشم وای بینوا اکنون این

شماره

۹ جون ۱۸۹۰

80, HOLLAND PARK.

نقطه نظر
 ان خطبه را در روز پنجشنبه
 در وقت نماز صبح در مسجد
 امام حسن عسکری (ع) در
 محله کهنه در شهر تبریز
 قرائت نمودند و در آن خطبه
 در بیان احوال و حال
 این خطه و این خطه
 در بیان احوال و حال
 این خطه و این خطه

در بیان احوال و حال
 این خطه و این خطه
 در بیان احوال و حال
 این خطه و این خطه
 در بیان احوال و حال
 این خطه و این خطه
 در بیان احوال و حال
 این خطه و این خطه
 در بیان احوال و حال
 این خطه و این خطه

فدیتشم اگر چه ما از این شهر بیرون
 نشدیم اما هیچ چیز نمانده
 در آنجا و در آنجا
 در آنجا و در آنجا
 در آنجا و در آنجا
 در آنجا و در آنجا
 در آنجا و در آنجا
 در آنجا و در آنجا
 در آنجا و در آنجا
 در آنجا و در آنجا

مراسله خاصیت اکسیری و اثر کمیائی بخشیده و هزار درجه مایه امتنان شده البته به
 سمع شریف رسیده است که بعد از مراجعت از سفر شیراز و توقف یکسال اصفهان که شرف اندوز
 حضور اقدس‌اعلی گردیدم. بین‌الاقترآن امتیازم داده و در جرگه وزرای دربار قرین افتخارم
 فرمودند، از آن زمان الی کنون که قریب ده سال است، قانونچه‌های مرسولی جنابعالی در عوالم
 مدنیّت و آبادی مملکت که می‌رسد اعم از اینکه در تهران یا محل ماموریت ملاحظه
 می‌نمودم که چگونه آداب آبادی ملک را تشریح نموده داد فصاحت داده‌اید و در جواب هریک
 نتیجه‌های بیغرضانه و تصدیق‌های محرمانه را اگر در طهران بود لفظاً و اگر هرجای دیگر بود
 بتوسط نوشته‌جات معروض می‌داشتم همین قدر مزاحمت می‌دهم که حکیم دانائی که مثال
 جنابعالی هم خود را صرف خدمت ملت و وطن خود می‌نماید و خود رافدای ترقی ملت و
 دولت می‌نماید بر او لازم است که از تحمل شاق سرنخورد و در اجرای خیال خود لازمهٔ اهتمام و
 سعی کند و هرچه مطالب عاقلانه و دلایل حکیمانه او باهمال و تغافل بگذرد مایوس نشود و
 همواره در اجرای خیال خود که مایهٔ ترقی یک مملکتی است جد و جهد را از دست ندهد امروز
 وضع دولت ایران غیر از سابق است. اغلب در خیال مدنیّت افتاده همت گماشته‌اند خیالات واهی
 سابقه از میان رفته و باندک محرک بهیجان می‌آیند موقع موقعی است که وجود یککفر شخصی
 فیلسوف دانائی مثل جنابعالی در ایران از لوازم است. هرگاه ممکن باشد بای نحو کان بایران
 بیائید. دور نیست که وجود شریف اسباب خیر و اصلاح کلی برای این مملکت باشد. دیگر وسایل
 آنرا جنابعالی خود بهتر می‌دانید که اقرب وسیله برای آمدن چیست و اقدامات عالیّه را از دست
 نگذارید. اینجانب هم برحسب امر وارادهٔ سنیّه ملوکانه بعد از مراجعت از این سفر بتوقف قلبی در
 اصفهان، احضار بحضور مبارک شده‌ام و بخواست خداوند در اوایل ربیع‌الاول حرکت کرده در اواسط
 آن ماه شرف اندوز آستان همیون خواهم شد. اگر تا آنزمان اقداماتی در آمدن از طرف جنابعالی بعمل
 آمد محتمل است که فواید کلی بامید خداوند برای این دولت و ملت از وجود شخصی چون
 جنابعالی حاصل گردد و نیز دوستانه خواهشمندم که اغلب اوقات از سلامتی حالات مسرت آیات
 اینجانب را مطلع و مسرور دارید. حالات اینجانب هم بحمدالله قرین صحت و سلامتی است گاهی
 در طی مراسلات از سلامتی حالات شریف مسرورم دارید فی هشتم شهر ذی‌قعدة الحرام ۹۸۰ هـ سند

خبر به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز



همه خسارت و زیان را در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز
 به دست آمد که در این روز

نامه ظل السلطان به میرزا ملکم خان

سند شماره ۶۵. نامه ظل السلطان به میرزا ملکم خان

قسمت چهارم

مشارکت در هزینه

مشارکت در هزینه

در مورد این موضوع، آقایان و خانمها باید در نظر بگیرند که هزینه‌های زندگی در این شهر به سرعت در حال افزایش است و این امر می‌تواند بر کیفیت زندگی تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، مشارکت در هزینه‌ها می‌تواند راهی برای کاهش بار مالی و بهبود شرایط زندگی باشد. این امر می‌تواند به صورت مختلفی انجام شود، از جمله تقسیم هزینه‌های ثابت مانند اجاره یا خرید وسایل خانگی. همچنین، مشارکت در هزینه‌های متغیر مانند خرید مواد غذایی یا تفریح نیز می‌تواند مفید باشد. این امر می‌تواند به ایجاد روحیه همکاری و همبستگی بین افراد کمک کند و به بهبود روابط خانوادگی و اجتماعی منتهی شود. در نهایت، مشارکت در هزینه‌ها می‌تواند به کاهش تنش‌های مالی و افزایش آرامش خاطر کمک کند.

مشروطیت

مشروطیت یکی از اصول اساسی نظام سیاسی است که بر پایه آن است.

در مورد این موضوع، آقایان و خانمها باید در نظر بگیرند که هزینه‌های زندگی در این شهر به سرعت در حال افزایش است و این امر می‌تواند بر کیفیت زندگی تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، مشارکت در هزینه‌ها می‌تواند راهی برای کاهش بار مالی و بهبود شرایط زندگی باشد. این امر می‌تواند به صورت مختلفی انجام شود، از جمله تقسیم هزینه‌های ثابت مانند اجاره یا خرید وسایل خانگی. همچنین، مشارکت در هزینه‌های متغیر مانند خرید مواد غذایی یا تفریح نیز می‌تواند مفید باشد. این امر می‌تواند به ایجاد روحیه همکاری و همبستگی بین افراد کمک کند و به بهبود روابط خانوادگی و اجتماعی منتهی شود. در نهایت، مشارکت در هزینه‌ها می‌تواند به کاهش تنش‌های مالی و افزایش آرامش خاطر کمک کند.



در دوره قاجاریه هم نهاد مذهبی در برابر حکومت قرار گرفت و علمای دین موقعیت مهمی پیدا کردند چون دولت هم برای انجام بعضی از امور به همکاری علما احتیاج داشت.

«سر جان ملکم می نویسد که مجتهدین هیچ مقامی را قبول نمی کنند. کاری ندارند جز راهنمایی مردم و حمایت از آنها در برابر حکام، این مجتهدان در نزد مردم موقعیتی دارند که مغرورترین سلاطین را وادار می کند که در احترام به آنها با مردم هم صدا شوند»

این دسته یک عامل بازدارنده در برابر حکومت بودند و خطرات اجرای بعضی از سیاستها را به شاه و مشاورینش گوشزد می کردند.

روحانیان با مردم تماس همیشگی داشتند و مسائل مربوط به زندگی اجتماعی، ازدواج، طلاق، تولد، وفات و صدور اسناد و رسیدگی به اختلافات به عهده آنها بود. به همین جهت مردم به علما بیشتر علاقه و توجه داشتند تا به مقامات حکومتی.

روحانیان نفوذ زیادی در بازار نیز داشتند و با اعلام نظر آنها بازار تعطیل می شد. روحانیان در بیشتر ادوار نفوذ و قدرت زیادی داشتند و نظر آنها در کلیه مسائل مورد توجه و قبول بوده است.

در این دوره به علت سوء رفتار حاکم مازندران مردم بر علیه حکومت قیام کردند که منجر به

کشته شدن چندین نفر گردید، روحانیان نیز از مردم پشتیبانی می نمودند و خواهان عزل و مجازات حاکم بودند.

از طرف اتابک از آیت... بهبهانی تقاضا شد با نفوذی که دارند از شورش و قیام مردم جلوگیری کنند تا به تقاضای آنها رسیدگی شود.

او توانست با موقعیتی که داشت مردم را آرام کند و ضمن نامه‌ای به اتابک نوشت که شهر، آرام است و شما باید حاکم را مجازات و تعویض کنید، پیشنهاد او مورد موافقت قرار گرفت و حاکم مازندران احضار گردید. (سند شماره ۶۵)

مسجد محلی بود که تجار و بازاریان در آنجا در ساعات مختلف جمع می شدند و به راهنمایی‌های مذهبی و اخلاقی و عاظ گوش می دادند، مسجد در حقیقت همیشه تکیه گاه مسلمانان بوده و می باشد. مخالفت با امتیاز رویتر و لغو امتیاز تنباکو، اولین مظاهر قدرت روحانیان بود و معلوم گردید که مردم در کنار روحانیان هستند و در مقابل حکومت، که در صفحات قبل درباره آن توضیح داده شده است.

با ذکر این مقدمه معلوم می شود که روحانیان چه قدرت و نفوذ زیادی در میان اکثریت مردم داشته و توانسته‌اند در پیدایش حکومت قانون نقش بسیار مؤثری داشته باشند.

در اواخر حکومت ناصرالدین شاه، عده‌ای از مردم مخفیانه جلساتی برای بحث و گفتگو درباره آزادی و عدالت و جلوگیری از استبداد حکام تشکیل می دادند و خواسته‌های خود را با علماء و طبقات روشن فکر در میان می گذاشتند و از آنها راه چاره می خواستند.

فشار اقتصادی و فقر عمومی و عدم وجود عدالت عواملی بود که باعث تحریک مردم گردید. در تاریخ ۲۰ شعبان ۱۲۸۷ ق، ناصرالدین شاه فرمانی در خصوص تشکیل یک هیئت دولت صادر کرد و برای جلوگیری از تجاوزات حکام و محدود کردن قدرت و وظایف آنها امور مملکت را به نه وزارتخانه سپرد و صدر اعظم را مسئول قرار داد و در حقیقت از دخالت مطلق خود در حل مسائل مملکتی تا حدود زیادی صرف نظر کرد.

نامه آیت... بهبهانی به اتابک

«بسم الله الرحمن الرحيم - بشرف عرض حضور اشرف اکرم عالی دامت برکاته می‌رساند، امیداست که بپاداش و مجازات زحماتی که در ترویج شرع شریف می‌کشید خداوند عالم عمر پاینده با کمال اجلال و عزت در ظل حمایت بندگان اقدس همایونی خدایه ملکه کرامت فرماید.

بمجرد دستخط مبارک آقایان و اهالی علم را تماماً نوید الطاف ملوکانه و مراحم خسروانه شاهنشاه و معدلت و توجهات کابرا نه حضرت اجل اشرف عالی دادم و مطمئن کردم که متفرق شوند و عریضه عرض کنند و تظلمات خود را بعرض عریضه در پیشگاه سلطان اسلام معروض دارند و با کمال تضرع و مسکنت تعدیات حکومت مازندران را جبران و تدارک بخواهند اینک با کمال تضرع عریضه عرض کردند و به اطمینان و تعهد دعاگو متفرق شدند معلوم است که حضرت اشرف عالی در این موقع آنچه لازمه بزرگی و معدلت است مجارات و تدارک بفرمایند. لقمان را حکمت آموختن غلط است والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.» (سند شماره ۶۵/۱)

سواد لایحه مبارکه

«محسنات تشکیل دربار اعظم را مکرر بندگان اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و دولت بیان و تصدیق فرموده‌اند. به اقتضای همان فرمایشات ملوکانه این دولت ابد مدت باید حکماً یک هیئت رسمی داشته باشد. فواید چنان هیئت رسمی با منظورات جدید شاهانه از برای دولت علیه ایران محسوس است» بخصوص از برای این عهد که بندگان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند، در غیاب همایون زیاده از حد لازم است که دولت ایران یک هیئت رسمی و یک صورت با عظم و باشکوهی داشته باشد.

سلامت اولاد

مردود حضرت اشرف عالی است بانه مرماند است که بپدرش
 زاهد کرده دروغ شمع برین میکشید ملکه و مرماند او را پسر با کمال جاه و دولت
 حلاوت سگانه استی با کمال غلظت و کمال استیلا
 مورد تخط سارک آقایان و اهل علم را تا کمال خیر الله و کمال
 و عدلت در بهارات کمال شهنشاهی (صدا در ترقی نام و مطهرین کرم
 که متفرق گشته و درین روز کسند و علم و حکم مردم و عدل در میان
 ملکه نامم معلوم سازند و با کمال تضرع و مسکنت تعیبات حکومت
 مازندران را بجهت جبران و تدارک عرض میسازند و کمال تضرع و تضرع
 عرض کردند و اطمینان تعهد و اطمینان نمودند معلوم
 که کمال تضرع و تضرع در این موضع از مردم تدارک عدلت است
 کلمات و تدارک تضرع تضرع تضرع و کمال تضرع و تضرع
 (در حکم و حکم و حکم)

خلاصه اصول دربار اعظم را عرض کرده‌ام چون این معانی در این صفحات چندین بار بروز و ظهوری نداشته‌اند، به نظر خیلی ساده و سهل و بی نتیجه خواهد آمد. همین قدر عرض می‌کنم که انتظام کل امور دولت بسته به این چند فقره مطالب ساده است، نتایج این مطالب را باید در امتحانات سایر دول مشاهده کرد.

امیدوارم که از یمن تربیت و تقویت همت شاهنشاهی بر این اساس ساده یک بنائی ساخته شود که نام نامی شاهنشاهی را تا انقراض تواریخ مایه تشکر ملت ایران و موجب تعجب کل آیندگان سازد.

«جناب صدراعظم - این تفصیل وزراء و دربار که نوشته‌اید بسیار بسیار پسندیدم و انشاءالله فرارش را بزودی بدهید و معمول بدارید که هر قدر به تعویق افتد باعث ضرر دولت است.»
تحریراً فی ۲۰ شعبان سنه ۱۲۸۹

تشکیل دربار اعظم

«سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی کل امور دولت را در میان نه وزارت و یک صدارت تقسیم خواهند فرمود.

وزارت داخله - وزارت خارجه - وزارت جنگ - وزارت مالیات - وزارت عدلیه - وزارت علوم - وزارت فواید - وزارت تجارت و زراعت - وزارت دربار - صدارت عظمی
اجرای جمیع اوامر پادشاهی و اداره کل امور دولت ایران بر عهده این نه وزارت است. اداره این نه وزارت محوّل به صدارت عظمی است.^(۱)»

«دربار اعظم عبارت است از اجتماع نه وزیر تحت نظر صدراعظم که شاه او را انتخاب می‌کند حکم عزل و نصب وزراء به پیشنهاد صدراعظم و موافقت شاه صادر می‌شود.

هر وزیری در امور وزارت خود کاملاً مسلط است، هیچ وزیری عملاً حق مداخله به امور وزارت دیگر ندارد، اما کل وزراء در شور کلیه امورات دولتی شریکت اعمال همدیگر و عموماً مسئول امور دولت هستند.

عموم وزراء هر روز یک‌شنبه و پنج‌شنبه در یک اداره در جنب اداره صدارت عظمی چهار ساعت به ظهر مانده جمع خواهند شد. مطالب مشورت قبل از انعقاد مجلس معین خواهد بود (که